

معرفی شخصیت و آثار ملاعلی خان قاری

اثر: دکتر مرتضی بدخشان
استادیار گروه زبان و ادبیات عرب
(از ص ۲۰۵ تا ۲۱۰)

چکیده:

ملاعلیخان قاری در بین سالهای ۱۱۶۰ تا ۱۱۸۰ هـ ق در یک خانواده که به علم و ادب معروف بودند در دزفول بدنیا آمد. او عالم و عارفی بود که ساده‌زیستی و زهد و تقوی او تا به امروز زبانزد خاص و عام است. او هرگز از خود سخن نگفت و دوست نمی‌داشت که دیگران درباره شخصیت علمی و عرفانی او سخنی بگویند. او تألیفاتی داشته که متأسفانه از بسیاری از آنها اطلاعی در دست نیست.

دو اثر گرانبها از او بدست آمده یکی مصحفی است بخط مؤلف در دو جلد با حاشیه‌هایی در مورد کلمات و آیات از نظر صرفی و نحوی و بلاغی. اثر دیگر کتابی است در باب قرائات مختلف و روایات آنها و اختلاف قرائات بین حفص و شعبه که هر دو راویان عاصم بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: مصحف، قرائات.

مقدمه:

این مقدمه به معرفی شخصیت بزرگی می‌پردازد که تاکنون ناشناخته بوده است و در هر کجا نامی از او برده شده بعنوان شخصیتی بزرگ یاد شده که اطلاعاتی از او در دست نیست.

او ملاعلیخان قاری نام دارد و از عرفای بزرگ قرن سیزدهم بوده که در دزفول زندگی می‌کرده است. ما در این مقاله که حاصل ماه‌ها تحقیق و جستجو در میان اهل علم و احفاد او می‌باشد توانسته‌ایم شمّه‌ای از زندگی و آثار این مرد بزرگ را به خوانندگان گرامی و دوستداران اهل علم و دانایی معرفی کنیم.

علائم اختصاری: هق: هجری قمری، م: معنی، ت: توضیح

متن:

ملاعلیخان قاری از علما و عرفای بزرگ قرن سیزدهم هجری قمری بوده است. او در بین سالهای ۱۱۶۰ تا ۱۱۸۰ هق در خانواده‌ای که به علم و ادب معروف بودند بدنیا آمد.

پدرش ملاکرمعلی (درویش کرمعلی) از افراد امین و زاهد و عارف آن زمان بود. ملاعلیخان از همان دوران کودکی علاقه زیادی به یادگیری علوم قرآنی و عربی از خود نشان میداد. مقدمات این علوم را از پدرش فراگرفت. به تحصیل و فراگیری این علوم همت گماشت تا اینکه در قرائات سبع و چهارده روایت آنها استاد گردید. او در قرائت پیرو عاصم بود که عاصم از قراء سبعة (قاریان هفتگانه) می‌باشد. شهرت ملاعلیخان قاری در علوم قرآنی و صرف و نحو عربی به حدی بود که بسیاری از علمای آن زمان برای فراگیری این علوم به نزد او می‌آمدند.

ملاعلیخان در اعتقادات پیرو مذهب شیعه اثنی عشری و بسیار مقید به انجام

فرایض دینی بود. او عالم و عارفی بود که ساده‌زیستی و زهد و تقوای او تا به امروز زبانزد خاص و عام است. او هرگز از خود سخن نگفت و دوست نمی‌داشت که دیگران درباره خوبیها و شخصیت علمی عرفانی او سخن بگویند.

علما و عرفای بزرگ نسبت به او ارادتی خاص داشتند. برای روشن شدن زهد و تقوا و شخصیت علم و عرفانی او همین بس که شیخ مرتضی انصاری از بزرگترین فقها و علمای تاریخ معاصر است و تحقیقات او در فقه استدلالی و اصول و قواعد کلیه حقوق بی‌سابقه است و فرائد او در اصول و مکاسب او در فقه دقیقترین تحقیقات حقوقی را دربردارند، زمانی که ریاست حوزه نجف را داشت تصمیم گرفته بود به دزفول بیاید. شخصی از او می‌پرسد که آیا میل به دزفول را دارید؟ شیخ فرمود: آری میل دارم به دزفول بروم و در نماز به ملاعلیخان قاری اقتدا کنم. (شیخ

مرتضی انصاری اهوازی - ۱۴۱۰ هـ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری - ص ۵۲)

ملاعلیخان قاری در دورانی زندگی کرد که اکثر مردم بی‌سواد بودند و درگیر مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی دوران قاجاریه. تعداد کمی از مردم استعداد و توانایی درس خواندن را داشتند و در مکتب خانه‌ها به فراگیری علوم قرآنی، عربی، ریاضیات و ... می‌پرداختند. ملاعلیخان در چنین دورانی رشد کرد و به مقامات عالی رسید. او در زمینه‌های صرف و نحو و تجوید و قرائت و ادعیه و ... تحقیقات و تألیفاتی داشته است که متأسفانه هیچ اثری و اطلاعی از آنها در دست نبوده و این حقیر در این تحقیق و بررسی که غالباً به صورت میدانی انجام گرفته است توانستم به دو اثر گرانبها از آثار او که به خط خودش نوشته شده‌اند دست بیابم و از صفحاتی از آنها تصویربرداری کنم این کتابها که نزد احفاد ملاعلیخان نگهداری می‌شوند یکی مصحفی است در دو جلد که حاشیه‌هایی بخط مؤلف در مورد برخی از کلمات و آیات از نظر صرفی و نحوی و بلاغی و کتابت کلمات و قرائت آیات و اختلاف قرائات دارد مثلاً گوید کلمه «جبریل» هر کجا در

قرآن باشد حفص (یکی از راویان عاصم) آنرا «جبریل» می خواند یا مثلاً درباره آیه ۱۲۸ سوره انعام که می فرماید: «و یومَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعاً یا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِیْ أَجَّلْتِ لَنَا وَ قَالَ النَّارُ مَثْوِیْکُمْ خَالِدِینَ فِیْهَا أَلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ اِنْ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ».

م: یادآور روزی را که همه خلق محشور می شوند (و به گروه جن خطاب می شود) ای گروه جن بر انسان فزونی یافتید. و دوستان ایشان از انسانها گویند: خدا بعضی از ما، از بعضی دیگر بهره مند شدند و به اجلی که تو معین نمودی رسیدیم. خداوند فرمود: آتش جایگاه شماست و همیشه در آن خواهید بود مگر آنکه را خدا بخواهد که پروردگار تو حکیم و داناست.

ملاعلیخان در قرائت این آیه می فرماید: «یَغْلُظُ الصَّوْتِ عَلَی «النَّارِ» لِثَلَا یُوْهَمَ اَنَّ «النَّارِ» فاعل «قال» بل هو مبتدا و خبره مثنویکم (مصحف ملاعلیخان - ت - آیه ۱۲۸، انعام).» یعنی قاری باید در حین قرائت این آیه چون وقف بر کلمه قال جایز نیست، زیرا مقول قول (النار مثنویکم) از فعل و فاعل (قال) جدا می شود از طرفی وصل قال به النار این توهم را ایجاد می کند که النار فاعل قال است. درحالی که چنین نیست پس حال که نه وقف صحیح است و نه وصل نیکو، قاری باید با هنرمندی خویش آیه را به گونه ای قرائت کند که هم مقول قول از قال جدا نشود و هم حق مطلب ادا گردد. در اینجا ملاعلیخان گوید که قاری باید کله قال را به النار وصل کند ولی در تلفظ کلمه النار صدای خود را غلیظ کند تا این توهم که النار فاعل قال است نیز برطرف شود. و اما چرا غلظت صوت را دستور داده، شاید بخاطر این باشد که آیه، آیه وعید و عذاب است و غلظت صوت در بیان خشم و شدت مناسب دارد.

حاشیه هایی که بر مصحف ملاعلیخان بدست خود ایشان نوشته شده ارزش بسیار زیادی دارند. اثر دیگر کتابی است در مورد قرائات و اختلاف آنها و کتابت شاذ برخی از کلمات که به خط مؤلف به فارسی نوشته شده است. این کتاب که به

خاطر عدم رعایت نگهداری صحیح آن صفحاتی از ابتدا و انتهای آن از بین رفته، قراء سبعة و راویان آنها را مورد بررسی قرار داده و اختلاف روایت را بین حفص و شعبه (هر دو راوی عاصم بوده‌اند) را بیان نموده است و مورد اختلاف قرائت هر دو را از اول قرآن تا آخر مورد به مورد ذکر کرده است.

در بخش دیگر موارد تهلیل و تکبیر و تحمید را در سوره‌های آخر قرآن آورده و در پایان این بخش گوید که قاری نباید تقدیم تکبیر بر تهلیل یا تحمید بر تکبیر یا تهلیل کند زیرا چنین روایت شده و احدی در آن خلاف نکرده است و مجمع علیه است. البته بجز این دو اثر نفیس و گرانبها کتابهای خطی دیگری نیز نزد احفاد او نگهداری می‌شوند که احتمال می‌رود بعضی از آنها مربوط به ملاعلیخان قاری باشند، ولی چون بخاطر از بین رفتن ابتدا و انتهای برخی از آنها و یا نوشته نشدن نام مؤلف بر آنها، تشخیص مؤلف میسر نگردید و ما از ذکر آنها در این مختصر خودداری می‌کنیم.

ملاعلیخان پس از عمری تلاش در راه کسب معارف الهی و پرورش روح خویش دار فانی را وداع گفت و در جوار مولایش علی (ع) در نجف اشرف بخاک سپرده شد.

نتیجه:

دزفول شهر علمای بزرگ بوده - دانشمندان بزرگی در این منطقه رشد یافته‌اند و شعاع علمی خویش را تا دورترین نقطه عالم رسانده‌اند. اما بسیاری از آنها آنگونه که باید شناخته نشده‌اند. البته خود آنها نخواستند که شناخته شوند و متأسفانه دیگران، یعنی محققین معاصر با آنها یا دوره نزدیک به آنها نیز برای معرفی آنها تلاش کمی داشته‌اند و نتیجه این شده که شخصیتی هم‌چون ملاعلیخان قاری تا به امروز ناشناخته مانده است. او در علوم اسلامی بصورت عام و در قرائات بصورت

خاص عالم و صاحب نظر بوده و تألیفاتی را در این زمینه‌ها داشته است که یکی از آنها قرآنی است در دو جلد با حواشی باارزش درباره نکات صرفی، نحوی، بلاغی و قرائات و دیگر کتابی است تحت عنوان قرائات. وی پس از عمری تلاش در دزفول دار فانی را وداع گفت و جسم پاکش به نجف انتقال یافت و در جوار مولایش علی (ع) بخاک سپرده شد.

منابع:

- ۱- انصاری اهوازی، شیخ مرتضی، زندگانی و شخصیت شیخ انصاری.